پان‌ترکیستها در رابطه با تاریخ چه میگویند؟

این ها نمونه‌هایی از دعاوی پان تورکیستان هاست که از اواخر دوران امپراطوری عثمانی تا به امروز در ترکیه به فعالیت مشغولند و از جمله به آذربایجان ایران نیز چشم طمع دوخته اند. برخی از سخنان علمای این مکتب عبارت است: «ترکان نخستین مشعلداران فرهنگ جهانی بودند»(1) ، «اقوامی که در شفق و طلیعه تاریخ آسیای مقدم پدیدار شدند ، سومریان ، سوبارها، هوریان، ایلامیان، کوتیان ، کاسیان، میتانیان و هیتیان از این گروه (اقوام ترک) اند. ولی اکدیان، آشوریان، آرامیان، یهودان و سامیان محتمل است از این گروه باشند»,(2) «پدید آورندگان فرهنگ شوش...اقوام ترک بوده اند» (3) ، «کردان از جمیع جهات ترک اند» و «این نکته که کردان از جمیع جهان ترک هستند، واقعیتی است روشن و انکار ناپذیر، همانند آن که بگوییم دو ضرب در دو می شود چهار»(4)، «ترکان پیش از ظهور اسلام در شرق شبه جزیره آناطولی، آذربایجان ، گرجستان وجود داشته اند»، (5). «وطن ترکان نه ترکیه است و نه ترکستان، بلکه وطن ترکان، کشور بزرگ و جاودانی توران است»،(6) و «خطاب به ترکان: تو باید همه علم و دانش و تفکر و امکانات خود را صرف اعتلای ترکان کنی و حتی یک لحظه این شعار را از یاد نبری که می گوید: همه چیز برای ترکان و به خاطر ترکان است»، (7) و سرانجام «آتاتورک نه تنها پدر ترکان ترکیه، بلکه پدر همه ترکان جهان است»(8)

(1) Ikici, Turk Tarih Kongresi, Istanbul, 1943, pg xxxii
(2) Gunaltay Semseddin, Turk Tarihinin ilk devirlerinden Yaki Sark, Elam ve Mezopotamys, Ankara, 1937, pg 116-117
(3) Ibid. Pg 128, 121
(4) krizioglu M. Fahrettin, Her Bakimdan Turk alan kurtler, Ankara, 1964 pg 10-11
(5) Encyclopedie de Islam Article “Turan, Pan turkisme= pan turanisme”, par Minorsky, Livraison N.P 224, 930
(6) Ziya Gokalp, Turkculugun esaslari, Istanbul, 1952, pg 28
(7) Zulahan M.K. voprosy drevnet I Srednevekovoi istoru Armenu v osveshchenii sovremennoi turetskoi istoriogralu, Erevan, 1970 pg 34-35
(8) Engin Arm , Ataturculuk ve Moskofluk Turkler savasi, Ataturk yalmiz Turklerin degil, butun dunya Turklerin atasidir, Istanbul, 1953

در این بخش سه سخن از سه نویسنده مدافع ترک‌گرایی را نقد خواهیم کرد. برای کسب اندکی آشنایی با این سه نویسنده پیوند نگاه کنید:

پان تورکیسم و استراتژی ختنه

.

خود جواد هيئت در يكي از كتابهايش مي نويسد:"سلطان محمود غزنوي به علت علاقه اي كه به زبان فارسي داشت دربارش مركز شعراي فارسي زبان مانند منوچهري ، فرخي ، اسدي طوسي ، فردوسي و غيره بود و براي اشاعه زبان فارسي در ايران و هندوستان از هيچ اقدامي فرو گذار نكرد. زبان فارسي را در قلمرو حكومت خود رسمي كرد و به گفته مورخين چهل و پنچ هزار معلم براي ياد دادن فارسي به مناطق مختلف ايران گسيل داشت..." (جواد هيئت، سيري در زبان لهجه هاي تركي، تهران، نشر نو)

اما نخست باید گفت که فردوسی یک شاعر درباری نبوده است و این نکته کاملا دروغ است. ولی تا بحال هیچ سندی از هیچ مورخی
گسیل آموزگاران زبان فارسی به مناطق مختلف ایران را ذکر نکرده است.   همین شخص در جای دیگر اظهار کرده است که نظامی گنجوی و خاقانی و قطران و مولوی و .. ترک بوده اند در حالیکه ابیات زیادی از دیوانهای این بزرگان آکنده از اشاراتی بر ضدترکان است.
در این راستان بنگرید به:
قطران:
http://web.archive.org/web/20071020023914/http://www.azargoshnasp.net/Pasokhbehanirani/pasokhbehrazmioz.htm
نظامی و خاقانی:
http://sites.google.com/site/rakhshesh/articles-related-to-iranian-history/PersianPoetNezamiGanjeiPoliticizationByUSSR.pdf?attredirects=0

مولانا:
http://web.archive.org/web/20061103113828/http://www.azargoshnasp.net/Pasokhbehanirani/firoozmansourichp2.pdf

(و البته یک مقاله دیگر در رابطه با مولانا در حدود دویست صفحه و اندی نیز به انگلیسی نوشته شده است به نام:

A Study on the cultural and ethnic associations of the Persian poet Rumi and examination of some recent forgeries

که در گوگول میتوان آن را یافت.

محمد تقی زهتابی (کیریشچی)

قابل ذکر است که محمود پناهیان(یکی از عضو بلند پایه فرقه تجزیه طلب دموکراسی) پس از فرار به شوروی ، در سالهای دهه 1350 شمسی در یک ماموریت از باکو به بغداد اعزام شد و در آنجا ضمن همکاری با رژیم بعث عراق به تاسیس یک گروه سیاسی به نام «جبهه ملی خلقهای ایران» دست زد و شعبه هایی از ان به تبلیغ قوم گرایی در آذربایجان، کردستان ، بلوچستان و خوزستان ایران پرداخت. مدتی بعد، محمد تقی زهتابی چهره شناخته شده پان ترکیست (که در شاخه جوانان فرقه دموکرات فعالیت داشت)، به پناهیان پیوست و در بغداد رادیوی گروه او به تبلیغ اندیشه های پان ترکی پرداخت و در دانشگاه بغداد نیز تدریس کرد. وی پس از سقوط شاه به ایران بازگشت و به ترویج افکار پان ترکی در تبریز مشغول شد، و همو بود که با تکیه بر نوشته های پان ترکی و تاریخ نگاری تخیلی محافل پان ترکی باکو و استانبول-انکارا، و سر هم بندی حوادث پراکنده تاریخی و تحریف انها تلاش کرد و کتابی به نام «تاریخ باستان ترکهای ایران» را از چرندیات پان ترکی ترکیه رونویسي کرد، که اصولا آذربایجان را از حوزه تمدن ایران خارج می کرد و به جهانی پان ترکی متصل می ساخت. زهتابی تحصیل کرده باکو و انکارا است.

وی در جایی از کتابش می‌نویسد:
«ايلاميان در زمان هخامنشيان, سلوكيان, اشكانيان و ساسانيان زبان خود را نگه داشتند و حتي در دوره بعد از اسلام نيز زبان ايلامي به حيات خود ادامه داد واز طرف تاريخنويسان اسلامي "خوزي" ناميده شد ,براي مثال اصطخري در كتاب"مسالك الممالك" به ان اشاره ميكند و تاريخدانان امروزي مثلا دكتر سيد محمدعلي سجادي و. .زبان خوزي را همان زبا ن ايلامي ميدانند. اين زبان حالا هم در شوش و مناطق عراقي نزديك به شوش , از جمله شهر "مندلي" و هم چنين در شهر "سنقر" لرستان و اطراف ان و بعضي جاهاي ديگر زنده است و زبان عادي و روزمره اهالي ميباشد و خودش هم به زبان تركي اذري امروزي خيلي نزديك است, انان خودشان را اشكاني مينامند»(تاريخ ديرين تركان ايران,جلد۱, پروفسور ذهتابي)»

یک)
جغرافي شناسي:
شهر «سنقر» جزو لرستان نيست بلكه جزو استان كرمانشاه است.

زبان شناسي:

فكر هم نكنم نظر اين فرد درباره مردم كردزبان شهر و شهرستان سنقر باشد كه اكثريت جمعيت انجا را تشكيل مي دهدند. ولي مردم تركزبان سنقر به گويش اغوزي از باقيمانده سلجوقيها صحبت مي كنند و هيچ ربطي با ايلامي ها و زبان ایلامی ها ندارند! و هیچ دانشمندی چنين نظر نادرست (دروغی) را نداده است.

تاريخ شناسي:

ايشان مي گويند كه زبان ايلامي كه هنوز صدها ابهام دربارش مانده است به زبان تركي آذري امروز خيلي نزديك است! و امروز «سنقريها» خودشان را اشكاني مي دانند و حالا اشكاني و اشكانيان چه ربطي به ايلامي ها دارد؟

حسین محمدزاده صدیق (دوزگون):

گفتار زیر را بر عقلم سلیم خواننده وا می گذاریم:

«اگر ما بخواهيم كلمات و جملات و عبارات و پاره‌هاي نظم و نثر تركي‌سومري را كه در الواح سومري موجود است اساس قرار بدهيم، بايد بگوييم كه ادبيات‌مكتوب تركي در اكباتان و سويهاي آن پيشينه‌اي 7200 ساله دارد و هيچ ادبياتي آثارمكتوبش به اين قدمت و پيشينه نخواهد بود»

ایشان نمی دانند که کهن ترین الواح سومری مال پنج هزار سال پیش است. و نمیدانند که زبان سومری را هیچ دانشمندی امروز وابسته به زبانهای ترکی نمیداند:
تحریف پان ترکیسم درباره سومریها

پس کسی که حتی قدمت کهن ترین الواح سومری را نداند چطوری می خواهد درباره زبان سومری اظهار نظر کند.

نظر ایشان در رابطه با زبان اوستا:

« البته زبان اوستايي خود يك زبان التصاقي است و 70% از مخزن واژگان اوستايي،تركي است كه براي شرح اين موضوع فرصت و مجالي ديگر لازم است.»

پس زبان اوستایی هم یک زبان ترکی شده است! در ضمن زبان اوستایی التصاقی نیست و خانواده های زبان التصاقی بقدری زیاد هستند و هیچ کدام هم ربطی با ترکی ندارد و این بازی با دستور زبان هم در مقاله زیر باز به ان محکم پاسخ داده شده است:

تحریف پان ترکیسم درباره سومریها

حالا بر ما این پرسش بر می آید که کسی که حتی قدمت درست الواح سومری را نداند و آن الواح را 2000 سال کهنتر از انچه که هست بداند چه طوری می خواهد نظری درباره این زبان بدهد!

همچنین صدیق ادامه می دهد:

« خواجه حافظ شيرازي هم يقين دارد كه دو كلمه ي «سومر» و «آذر» دو تكواژ اصيل تركي اند، اولي به معناي مرد فرزانه و خردمند و دومي در معناي جوان شجاع و جوانمرد كه هنوز هم در بسياري از گويش هاي زبان دير سال تركي كاربرد دارند.»!!!!!!!!!!!!

نتیجه گیری: تأسف مجدد به حال پان‌ترك‌هاي فريب‌خورده.



گردآوری و ویرایش: آرمان جاویدان

آذری، کرد، لر، خوزستانی، بلوچ، فارس و... همه و همه برابر، برادر و ایرانی هستیم.

فرستادن این متن برای دیگران حداقل کاری است که می توانید جهت ادای دین به ایران عزیزمان انجام دهید.